



اقتدار در تبعید

زندگی در تبعید بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی رهبران سیاسی و معنوی است و این قانون نانوشته در زندگی بنیانگذار انقلاب اسلامی هم نمود عینی داشته است.

زندگی در تبعید بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی رهبران سیاسی و معنوی است و این قانون نانوشته در زندگی بنیانگذار انقلاب اسلامی هم نمود عینی داشته است.

به گزارش ایسنا، روزنامه **همشهری** با این مقدمه نوشت: «امام خمینی (ره) از ابتدای دهه ۴۰ شمسی که در برابر رژیم پهلوی قد علم کرد و در قامت رهبر جریان سیاسی مخالف رژیم وارد میدان مبارزه شد، روزهای پر فراز و نشیبی را از سر گذراند که تبعید به نقاط مختلف جهان بخشی از آن به شمار می‌آید. حضرت امام(ره) ابتدا به کشور ترکیه تبعید شد و رژیم پهلوی بعدها نقشه شوم تبعید ایشان به عراق را عملی کرد. محمدرضا شاه پهلوی که از نفوذ و محبوبیت روزافزون رهبر مخالفان حکومت شاهنشاهی بین مردم هراس داشت، بعدها با همدستی با حزب بعث عراق موجب هجرت امام(ره) به پاریس شد؛ غافل از اینکه رهنمودهای امام(ره) بیش از محل زندگی ایشان برای توده مردم اهمیت داشت و شاه هرگز نتوانست دل مردم را از رهبر معنوی شان دور کند؛ چنان که امام بعد از ۱۴ سال و چند ماه به آغوش میهن برگشت و با همدلی مردم به حکومت جور و ستم در ایران پایان داد.

ترکیه

نخستین تبعیدگاه

امام خمینی(ره) از همان نخستین روزهایی که بنای مبارزه با رژیم پهلوی را گذاشت همواره تحت نظر ساواک بود و عوامل رژیم شاهنشاهی به بهانه های مختلف، محل زندگی ایشان را در قم تحت نظر داشتند. ایجاد فضای امنیتی در حوالی محل زندگی امام(ره) در قم یکی از مأموریت های تکراری ساواک بود اما در سحرگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۳ منزل امام(ره) در قم جدی تر از همیشه مورد تعرض ساواک و نیروهای امنیتی قرار گرفت و کماندوهای مسلح اعزامی از تهران، منزل او را محاصره کردند. این اتفاق یک سال بعد از نخستین حمله نیروهای امنیتی به محل زندگی امام(ره) در قم به وقوع پیوست و عجیب اینکه این بار هم مأموران رژیم شاه به طور شبانه و هنگام نماز و نیایش به منزل امام(ره) یورش بردند.

شب سیزدهم آبان ۱۳۴۳ حضرت امام(ره) بازداشت شد و او را به اتفاق نیروهای امنیتی مستقیماً به فرودگاه مهرآباد تهران بردند تا از آنجا با یک فروند هواپیمای نظامی که از قبل آماده شده بود، به آنکارا اعزام کنند. عصر آن روز ساواک خبر تبعید امام(ره) را به اتهام اقدام علیه امنیت کشور در روزنامه ها منتشر کرد و به رغم فضای خفقانی که آن سال ها در کشور حاکم بود، موج اعتراض ها به صورت تظاهرات در بازار تهران، تعطیلی طولانی مدت دروس حوزه ها و ارسال طومارها و نامه ها به سازمان های بین المللی و مراجع تقلید به راه افتاد. این نخستین واکنش جدی مردم به برخوردهای امنیتی مأموران رژیم پهلوی با حضرت امام(ره) بود.

در روز تبعید امام(ره) به ترکیه، مأموران ساواک، آیت الله مصطفی خمینی را هم بازداشت کردند و او هم یک ماه بعد به ترکیه و نزد پدر تبعید شد. دوران تبعید امام(ره) در ترکیه بسیار سخت و طاقت فرسا بود و ایشان حتی از پوشیدن لباس روحانیت در این کشور منع می شد. محل اقامت اولیه امام(ره) در ترکیه، هتل بلوار پالاس آنکارا بود اما یک روز بعد و به قصد مخفی نگاه داشتن محل اقامت، ایشان را به ساختمانی در خیابان آتاتورک منتقل کردند. رژیم شاه برای منزوی کردن امام(ره) و قطع ارتباط او با نیروهای انقلابی داخل کشور، در روز ۲۱ آبان ۱۳۴۳ محل تبعید را به شهر بورسا واقع در ۴۶۰ کیلومتری غرب آنکارا تغییر داد. در این مدت امکان هرگونه اقدام سیاسی از امام خمینی(ره) سلب شد و ایشان تحت مراقبت مستقیم مأمورین اعزامی ایران و نیروهای امنیتی دولت ترکیه قرار داشت.

اقامت امام(ره) در ترکیه ۱۱ ماه طول کشید. در این مدت رژیم شاه با شدت عمل بی سابقه ای بقایای مقاومت را در ایران سرکوب کرد و در غیاب امام خمینی(ره) به سرعت دست به اصلاحات آمریکایی پسند زد. البته رژیم پهلوی بر اثر فشار مردم و علما، چندین بار نمایندگانی به ترکیه اعزام کرد تا از سلامت امام(ره) در تبعید اطمینان حاصل کند. در این مدت امام خمینی(ره) طی چند نامه به منسوبین خویش و علمای حوزه به صورت رمز و اشاره و در قالب دعا، عزم خود را در مبارزه با رژیم پهلوی نشان داد و خواستار ارسال کتاب های دعا و کتب فقهی شد. اقامت اجباری در ترکیه فرصتی مغتنم برای امام(ره) بود تا جلد نخست کتاب تحریرالوسیله را تدوین کند. در این کتاب که حاوی فتاوی فقهی امام خمینی(ره) است، برای نخستین بار احکام مربوط به جهاد و دفاع و امر به معروف و نهی از منکر و مسائل روز به عنوان تکالیف شرعی مطرح شده است.

نجف

ادامه مبارزه

در روزهایی که امام(ره) در ترکیه به سر می برد، فشار جامعه مذهبی ایران برای آزادی ایشان هر روز بیشتر می شد و شاه چاره را در تبعید امام(ره) به نجف دید. روز ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴ حضرت امام(ره) به همراه فرزندشان آیت الله حاج آقا مصطفی از ترکیه به تبعیدگاه دوم یعنی کشور عراق، اعزام شدند. ایشان پس از ورود به بغداد برای زیارت مرقد ائمه اطهار(ع) به شهرهای کاظمین،

سامرا و کربلا رفت و یک هفته بعد به محل اصلی اقامت خود یعنی نجف عزیمت کرد. استقبال پرشور طلاب و مردم عراق از ایشان، بیانگر این واقعیت بود که برخلاف تصور رژیم شاه، پیام نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به شیعیان عراق و نجف مخابره شده است. گفت وگویی کوتاه امام(ره) با نماینده اعزامی عبدالسلام عارف، رئیس جمهور وقت عراق و رد پیشنهاد مصاحبه رادیو - تلویزیونی از سوی امام(ره)، از همان ابتدا ثابت کرد که ایشان شخصیتی نیست که اصل مبارزه با رژیم شاه را وجه المصلحه رژیم های حاکم بر بغداد و تهران قرار دهد. این منشی سیاسی در دوران اقامت ایشان در عراق تغییر نکرد و ایشان به یکی از نادر رهبران سیاسی جهان بدل شد که در اوج مشکلات و فشارها حاضر به واردشدن در زد و بندهای سیاسی معمول و مصلحه بر سر آرمان های خویش نشد.

امام خمینی(ره) از بدو ورود به نجف با ارسال نامه ها و پیک هایی به ایران، ارتباط با نیروهای انقلابی را حفظ کرد و در هر مناسبتی آنها را به پایداری در پیگیری اهداف قیام ۱۵ خرداد فرا می خواند. در همان روزها، سفیر ایران در عراق طی گزارشی خطاب به سران رژیم شاه نوشته بود: آیت الله خمینی در عراق ساکت ننشسته و شدیداً علیه رژیم فعالیت می کند. خواهشمند است دستوری در این زمینه صادر تا تکلیف روشن شود. شاه در پاسخ به این گزارش با خشم نوشته بود: «برای چندمین بار گفتم این صدا را خفه کنید.»

نوفل لوشاتو

هدایت انقلابیون

حضرت امام(ره) از قبل واقف بود که سخن گفتن از مبارزه و دعوت به قیام در تبعید، کاری بی نتیجه است. به همین دلیل ایشان، اصلاح و تغییر تدریجی شرایط و تربیت و آموزش نسلی را که پیام و آرمان های انقلاب را دریا بد شروع کرد. حضرت امام(ره) سلسله درس های خارج فقه را با همه مخالفت ها و کارشکنی های عناصر رژیم شاه در آبان ۱۳۴۴ در مسجد شیخ انصاری نجف شروع کرد. از سوی دیگر بسیاری از شیفتگان ایشان، خود را به نجف رسانده بودند و به این ترتیب کانونی از تجمع انقلابیون معتقد به راه امام در نجف شکل گرفت که همین جمع، مسئولیت انتقال پیام های مبارزاتی امام(ره) به مردم ایران را بر عهده داشت.

همین تحرکات انقلابی که هر روز تأثیر عمیق تری روی توده مردم می گذاشت در نهایت رژیم پهلوی را به این نتیجه رساند که یک بار دیگر محل تبعید امام را تغییر بدهد. روز اول مهر ۱۳۵۷ مأموران حزب بعث عراق، منزل امام(ره) در نجف را محاصره کردند و انعکاس این خبر با خشم گسترده مسلمانان در ایران، عراق و دیگر کشورها مواجه شد. رئیس سازمان امنیت عراق در دیدار با امام خمینی(ره) گفته بود که شرط ادامه اقامت ایشان در عراق دست کشیدن از مبارزه و عدم دخالت در سیاست است و امام(ره) با قاطعیت پاسخ داده بود که به خاطر مسئولیتی که در مقابل امت اسلام احساس می کند حاضر به سکوت و مصلحه نیست. همین فشارها باعث شد که امام در روز ۱۲ مهر، نجف را به مقصد مرز کویت ترک کند اما دولت کویت با توصیه رژیم شاه از ورود ایشان به این کشور جلوگیری کرد. قبلاً از این ماجرا، صحبت از هجرت امام به لبنان یا سوریه بود اما ایشان پس از مشورت با حاج سیداحمد خمینی تصمیم گرفت به پاریس هجرت کند.

ایشان در روز ۱۴ مهر وارد پاریس شدند و دو روز بعد در منزل یکی از ایرانیان در نوفل لوشاتو سکنی گزیدند. در همان نخستین روزهای حضور امام(ره) در نوفل لوشاتو، مأموران کاخ الیزه نظر رئیس جمهور فرانسه را مبنی بر اجتناب از هر گونه فعالیت سیاسی به ایشان ابلاغ کردند. امام در واکنش به این هشدارها گفتند که اینگونه محدودیت ها خلاف ادعای دموکراسی است و اگر ناگزیر شود تا از این فرودگاه به آن فرودگاه و از این کشور به آن کشور برود باز از اهداف سیاسی و معنوی اش دست نخواهد کشید.

تهران

بازگشت با شکوه

وقتی امام در نوفل لوشاتو به سر می برد، راهپیمایی مردم علیه رژیم گسترده تر می شد و راهپیمایی های میلیونی که در روز تاسوعا و عاشورا در تهران و دیگر شهرها برگزار شد که حکم رفراندوم غیررسمی مردم علیه سلطنت شاه را داشت. پیام های امام خمینی(ره) مبنی بر ادامه مبارزه، طرح های رژیم شاه برای خاموش کردن آتش اعتراض های مردمی را نقش بر آب می کرد. امام خمینی(ره) در دی ماه ۵۷ و در نوفل لوشاتو شورای انقلاب را تشکیل داد و اوایل بهمن ۵۷ خبر تصمیم ایشان برای بازگشت به کشور منتشر شد. سرانجام امام خمینی(ره) بامداد ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از ۱۴ سال و چند ماه دوری از وطن وارد کشور شد. در روز استقبال از امام، سیل جمعیت از فرودگاه به سوی بهشت زهرا(س) روانه شد تا سخنان تاریخی امام را بشنود. در همین نطق بود که امام خمینی(ره) تعیین دولت با پشتیبانی مردم را اعلام کرد و این سخنرانی نشانه زوال قطعی رژیم شاهنشاهی در ایران بود.»